
The connection between Sharia and constitutionalism from the point of view of Gharavi Naini

Hamed Mohseni-Azar

Ph. D. Student of political science and international relations, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Manouchehr Samadivand

Department of Islamic Studies, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author). E- mail: samadivand@iaut.ac.ir

Masoume Qaradaghi

Department of History, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

Reza Nasiri Hamed

Department of Political Science, Tabriz University, Tabriz, Iran.

Iranian constitutional theorist Mohammad Hossein Gharavi Naini tried to express and analyze the theory of constitutionalism from the perspective of Shi'ism. He has not paid attention to the basic points of difference between Islam and the constitutional system in expressing his views and thoughts on constitutionalism. The main goal of this research was to analyze the connection between Sharia and constitutionalism from Gharavi Naini's point of view. The research method is documentary in a descriptive-analytical way. The findings showed that, the need of the modernists for the support of the scholars and the religious context of the Iranian society caused the clergy to ignore some aspects of the conflict between the constitutional system and the fundamental foundations of Islam, and due to the unfamiliarity with European languages and the lack of resources in Arabic and Turkish languages, could not get information about the fundamental concepts included in the constitution. From Naini's view, the constitutional government violates the right of the Imam of the Age, but it can be in harmony with Islam more than any other government, due to the lack of development of the theoretical foundations of the religious government. In the conditions of that time, he had no choice but to combine some cultural elements of the West with traditional culture by maintaining his religious belief and accepting some intellectual achievements, and he had a lot of influence on the evolution of political thought after the constitutional movement. He and his co-thinkers enriched the political thought of Shiism.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHOR, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: Sharia, Constitutional Movement, Naini.

پیوند شریعت و مشروطیت از دیدگاه غروی نائینی

حامد محسنی آذر^۱

منوچهر صمدی‌وند^۲

معصومه قره‌داغی^۳

رضا نصیری حامد^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۳/۷/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۵/۱۵

چکیده

محمدحسین غروی نائینی نظریه‌پرداز مشروطه ایران تلاش کرد تا تئوری مشروطیت را از دیدگاه شیعه‌گری بیان و تحلیل کند. وی در بیان آراء و اندیشه مشروطه‌خواهی خود، توجهی به نقاط اساسی اختلاف میان اسلام و نظام مشروطه نداشته است. هدف اصلی این تحقیق، تحلیل پیوند شریعت و مشروطیت از دیدگاه غروی نائینی و روش پژوهش اسنادی به شیوه توصیفی-تحلیلی بود. یافته‌های به دست آمده نشان داد که نیاز تجددطلبان به حمایت علماء و بافت مذهبی جامعه ایران، سبب شد که روحانیت به برخی از جنبه‌های تضاد میان نظام مشروطه و بنیادهای اساسی اسلام بی‌توجه بمانند و با توجه به ناآشنایی با زبان‌های اروپایی و قلت منابع در زبان‌های عربی و ترکی، نتوانستند اطلاعاتی از مفاهیم بنیادین مندرج در مشروطیت به دست آورند. از دیدگاه نائینی حکومت مشروطه به رغم آن که حق امام عصر را پایمال می‌سازد اما در عهد غیبت با توجه به عدم تکوین پایه‌های نظری حکومت دینی بیش از هر حکومت دیگری می‌تواند با اسلام هماهنگی داشته باشد. وی در شرایط آن زمان با حفظ اعتقاد دینی و پذیرش برخی از دستاوردهای فکری چاره‌ای جز تلفیق برخی از عناصر فرهنگی غرب با فرهنگ سنتی نداشت و در راستای تحولات اندیشه سیاسی پس از جنبش مشروطه تأثیرات زیادی داشت. او و همفکرانش اندیشه سیاسی تشیع را غنا بخشیدند.

واژگان کلیدی: شریعت، جنبش مشروطیت، نائینی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. گروه معارف اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: samadivand@iaut.ac.ir

۳. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

۴. گروه علوم سیاسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه

در زمان استقرار نظام مشروطه در ایران نشر افکار و اندیشه‌های نوین توسط روشنفکران، اندیشه روحانیت را در جهت‌های مختلف به تکاپو واداشت و سه جریان فکری متضاد در بین روحانیت در داخل و خارج ایران شکل گرفت که شامل روحانیون طرفدار سلطنت استبدادی و مطلقه، روحانیون طرفدار مشروطه و طیف مشروطه مشروعه‌خواه که وجه مشترک آنان، همگامی در انجام اصلاحات در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود. دو گروه اخیر خواستار اصلاحات در نظام حاکم با قرائت خاص خودشان بودند. مشروعه‌خواهان که در متون مختلف از آن‌ها، به عنوان اصلاح‌طلبان محافظه‌کار یاد می‌شود، نظر مساعدی نسبت به اندیشه‌های تجددخواهانه نداشتند و طرفدار اصلاحات در چارچوب سنن اسلامی بودند و تفاسیر نوین ارائه شده از اسلام را قبول نداشتند، اما مشروطه‌خواهان با نگاه به نهضت نواندیشی دینی و جنبش‌های تجددطلبانه نوین، به نوعی ملغمه قوانین اسلامی و آموزه‌های سیاسی، حقوقی و مدنی از دولت‌های مدرن غرب، خواستار اصلاحات در نظام سیاسی کشور بودند. هدف اصلی این مطالعه، تحلیل پیوند و تلفیق شریعت و مشروطیت از دیدگاه غروی نائینی می‌باشد. روش پژوهش اسنادی به شیوه توصیفی-تحلیلی است. سوال اصلی تحقیق حاضر این است که آیا بین شریعت و مشروطیت از دیدگاه غروی نائینی می‌تواند پیوند یا تلفیقی وجود داشته باشد؟

وضعیت اجتماعی زمان آیت‌الله نائینی

اندیشمند سیاسی، در بستر و زمینه‌های خانوادگی، محیطی، اجتماعی و سیاسی و شرایط بین‌المللی زمانه خویش، به نظریه‌پردازی می‌پردازد. مبانی فکری و نظری هر اندیشمندی بیان‌کننده نحوه نگرش او به مسائل جهان آن است. نباید در تحلیل اندیشه‌های سیاسی متفکران مختلف، از عوامل مهمی چون عوامل محیطی، خانوادگی و اجتماعی غافل شد. نائینی تحت تاثیر زندگی در نجف و همکاری با روحانیونی چون آخوند خراسانی و تهرانی و مازندرانی از موافقان شریعت با مشروطه بود در حالی که روحانیون سنت‌گرای ساکن ایران چون شیخ فضل‌الله نوری از روحانیون مخالف مشروطه بودند. مهم‌ترین اثر فقهی-سیاسی وی کتاب تنبیه‌الأمه و تنزیه‌الملّه است که برای اثبات مشروع بودن نظام مشروطیت تحریر نموده و به شیوه‌ای استدلالی به دفاع از آزادی، مساوات، قانون اساسی، مجلس شورای ملی و ... پرداخت. این کتاب در زمان استبداد صغیر تالیف شده و شامل یک مقدمه، پنج فصل و یک خاتمه است که برای علماء و مجتهدین کتاب استدلالی و اجتهادی و برای عوام رساله تقلیدی راجع به وظایف اجتماعی است. مؤلف این کتاب از بزرگ‌ترین مراجع اهل نظر در قرن اخیر بوده، شخصیت علمی او را همه فضلاء و علماء تصدیق می‌نمایند. وجه تسمیه تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملّه نیز این بود که می‌خواست ساحت اسلام را از تهمت این که با استبداد موافق و با مشروطه مخالف است منزّه و مبرا سازد و امت را از خواب غفلت بیدار کند و به وجوب شرعی ستیزه با استبداد و تبدل نظام استبدادی به مشروطه آگاه گرداند. هر اندیشمند سیاسی، در بستر و

زمینه‌های عینی خانوادگی، محیطی، اجتماعی و سیاسی و شرایط بین‌المللی زمانه خویش، به نظریه‌پردازی می‌پردازد، بنابراین، مبانی فکری و نظری هر اندیشمندی که بیان‌کننده نحوه نگرش او به جهان و مسائل آن است، از همین زمینه‌ها و شرایط نشأت می‌گیرد. بر این اساس، نباید در تحلیل اندیشه‌های سیاسی متفکران مختلف، از عوامل مهمی چون عوامل محیطی، خانوادگی و اجتماعی غافل شد. رساله تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله نخستین رساله منسجمی است که درباره مشروطیت نوشته شده است (۱۸). وی نظریه‌پرداز و سیاست‌مدار در عرصه اندیشه با کتاب تنبیه‌الامه مهم‌ترین اثر سیاسی فقه حکومتی اسلام در عهد مشروطه که در عمل طرفدار نظریه ولایت مطلقه فقیه است و مشروطه را از باب اضطرار می‌پذیرد و در جلوه شرعی دادن بدان به علت نزدیکی مشروطه به اسلام و دوری استبداد از اسلام تلاش می‌کند. این رساله بلافاصله پس از انتشار، مورد تأیید و حمایت دو مرجع بزرگ تقلید نجف اشرف یعنی آیت‌الله محمدکاظم خراسانی و آیت‌الله عبدالله مازندرانی قرار می‌گیرد. مرحوم آخوند خراسانی در تقریظ خود می‌نویسد:

رساله شریفه تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله که از میرزا محمدحسین النائینی الغروی است، اجل از تمجید و سزاوار است که ان شاء الله به تعلیم و تعلم و تفهیم آن، اصول مشروطیت را از شریعت محقه استفاده و حقیقت کلمه مبارکه بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان قد فسد من دنیانا را بعین الیقین ادراک نمایند، ان شاء الله تعالی (۱۲). عبدالهادی حائری در مورد کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله می‌نویسد: در این کتاب پس از سخنانی به عنوان پیش درآمد، مقدمه‌ای آمده است که در آن دو گونه حکومت استبدادی و مشروطه مورد بحث قرار گرفته و در خلال همان مقدمه پیرامون معنای آزادی، برابری، قانون اساسی و مجلس شورای ملی نیز سخن رفته است. از دیدگاه عبدالهادی حائری مباحث این کتاب خیلی دقیق، منظم و جامع بوده و مطالبش دارای پیوندهای منطقی می‌باشد (۱۲). نائینی بحث خود را بر شالوده عقل و نقل، استدلال‌های منطقی و هم احادیث و روایات پایه‌گذاری کرده و این ویژگی‌ها فهم مطالب کتاب را تا اندازه‌ای برای خواننده غیر کارشناس مشکل می‌نماید (۹). وی در تبیین لزوم محدودسازی قدرت در نظام مشروطه، فهم عقل‌گرایانه و اجتهادی خود از شریعت با توجه به تأکید آیه قرآن بر مشورت با عقلای امت را این گونه بیان می‌کند: دلالت آیه مبارکه و شاورهم فی الامر که عقل کُلّ و نفس عصمت را بدان مخاطب و به مشورت با عقلای امت مکلف فرموده‌اند بر این مطلب در کمال بدهاقت و ظهور است. از نظر وی متعلق مشورت تمامی امور سیاسی است و خروج احکام الهی از آن از باب تخصص است نه تخصیص. در تمامی امور سیاسی و یا مصالح نوعیه مشورت لازم و ضروری است. بدیهی است که فرایند تصمیم‌سازی از طریق شورا بر اساس عمل به رأی اکثریت صورت می‌پذیرد که نائینی در این خصوص ضمن دفاع از مشروعیت آراء اکثریت به قاعده فقهی ترجیح در علم اصول استناد نموده و می‌گوید: لازمه اساس شورویتی که دانستی به نص کتاب ثابت است، اخذ به ترجیحات است عندالتعارض و اکثریت ... و اخذ طرف اکثر عقلاء ارجح از اخذ به شاداً است. آیت‌الله طالقانی در بیان این مطلب می‌نویسد: از مجموع این توضیحات می‌توان استنباط نمود که در مشکلات و اختلافات باید به مرجحات دینی و عقلی رجوع نمود و پیروی اکثریت عقلاء در

عرفیات مانند اجماع است در شریعات و آن چه بیشتر عقلاء صلاح‌اندیش به آن رأی دهند داخل آن قسمت بین‌الرشد می‌باشد (۱۲). با استفاده از قاعده مقدمه واجب در اصول فقه به دفاع از حقیقت نظام مشروطه پرداخته و مساله تدوین قانون اساسی را از این جهت که موجب تحدید استیلائی جور می‌شود، به عنوان مقدمه واجب عقلاً ضروری می‌داند. هم چنان که امور غیر واجب بالذات به تعلق نذر و عهد و قسم و ... واجب و لازم‌العمل می‌شود، همین طور اگر اقامه واجبی هم بر آن متوقف شود لامحاله عقلاً لازم‌العمل و بالعرض واجب خواهد بود هر چند اتصاف مقدمه واجب را به وجوب شرعی استقلالی هم قائل نباشیم چه بالضروره توقف واجب بر آن عقلاً موجب لزوم اتیان است و این مقدار از مقدمه فی‌مابین تمام علماء اسلام اتفافی و از ضروریات است. وی با این دلیل و مطلب دیگری که در دفاع از اصل تدوین قانون اساسی آورده، وجوب آن را مورد استدلال قرار داده است. استناد مکرر به اصل مستقلات عقلیه و لزوم پیروی از امور مربوط به آن در کتاب تنبیه‌الأمه وجه دیگری از رویکرد عقلانی علامه نائینی به تفسیر دیانت و فهم احکام و آموزه‌های شرعی است. از جمله در دفاع وی نسبت به اصل برابری می‌خوانیم: چه بالضروره معلوم است اختلاف اصناف مکلفین نسبت به انحای تکلیف نه مطلبی است مخصوص به دین اسلام بلکه در جمیع شرایع و ادیان مطرح و حتی منکرین تمام شرایع و ادیان نیز احکام عقلاییه که لازمه نشئت بشریت و مایه تمیز از حیوانیت است و به اختلاف قدرت و عجز و اختیار و اضطراب و دارایی و نداری و تمیز و عاقل بودن و نبودن و امثال ذالک از مستقلات عقلیه مختلف است، لامحاله دارند و بالضروره مراتب و طبقات مختلف از برای هر صنف نزد جمیع ملل عالم وظیفه خاص و حکم مخصوص مقرر است، بعد از بدهات این معنی حق، حتی طفل ممیز هم تواند فهمید که تسویه فی‌مابین اصناف مختلفه الأحکام و رفع امتیازشان از همدیگر با ضرورت تمام شرایع و ادیان و حکم عقل مستقل مخالف و موجب ابطال قوانین سیاسیه جمیع أمم و هدم اساس نظام عالم است و نزد هیچ یک از ملل متمدنه و غیرمتمدنه اصلاً صورت خارجی ندارد تا بدین وسیله بتوان لفظ مساوات را بر این معنی حمل و چنین مغطله کاری‌ها کرد (۱۲). مصلحت‌اندیشی عقلی و شرعی از باب ترجیح اهم بر مهم و یا دفع افسد به فاسد نیز شواهد مختلفی در دفاعیات نائینی نسبت به نظام مشروطیت دارد. از جمله این عبارت تنبیه‌الأمه است که مشروطه را تشبیه می‌کند به کنیز سیاهی که دستش آلوده است او را به شستن دست وادارش نمایند. از نظر وی سیاهی کنیز اشاره است به غصبت اصل تصدی و آلودگی دست اشاره به همان غصب زائد و مشروطیت چون مزیل آن است لذا به شستن ید غاصبانه تصدی، تشبیه‌اش فرموده‌اند. تلقی نائینی از نظام مشروطه در عصر غیبت این است که چون ظلم آن نسبت به نظام استبدادی کمتر است لذا جا دارد در حفظ همان درجه مسلم از محدودیت سلطنت اسلامی بکوشیم که مورد اتفاق امت و از ضروریات اسلام است. به اعتقاد وی نظام مشروطه بهترین جایگزین قوه عصمت الهی و دست کم جانشین قوای عقلی و ملکه عدالت و تقوی است. در این حال و روزی که دست‌مان از دامان عصمت و بلکه از ملکه تقوی و عدالت و علم مورد نیاز متصدیان حکومت کوتاه است بدون شک نظام مشروطه بهترین نوع ممکن حکومت است. اندیشه آیت‌الله نائینی را می‌توان چنین

خلاصه نمود: بحث از حقوق مردم و محدودیت قدرت حاکم و این که در اندیشه سیاسی شیعه مسأله مهم این نیست که چه کسی باید حاکم باشد، بلکه شیوه حکومت کردن او مهم است. مشارالیه به مسائلی چون قانون‌مداری، تفکیک قوا، حقوق ملت، نقش مردم در نظام سیاسی، شورایی بودن قوه مقننه، حق نظارت مردم بر مجلس و قوه مجریه، تفکیک قوانین عرفی از احکام شرعی و متغیر بودن مقررات اجتماعی توجه می‌کند (۱۵).

نائینی از ظرفیت‌های موجود در قلمرو علم اصول و فقه را مورد بهره‌برداری قرار داده و با ابتکار خویش اصول عقلایی مزبور را در امور سیاسی وارد نموده است. در واقع مهم‌ترین وجه تفاوت نائینی با سایر فقها، ورود ایشان در قلمرو مباحث سیاسی و حساسیت فراوان نسبت به یافتن پاسخ‌های شرعی برای حل مشکلات جوامع اسلامی است. تأکید بر عقلانیت و استفاده از آن در چارچوب و محدوده‌ای که تفکر فقهی تشیع برای عقل ترسیم نموده در باور نائینی به صورت تام و تمام پذیرفته و تحول محسوسی نیافته است. بر خلاف نجم‌آبادی که دایره نفوذ عقل را بسیار وسیع و فراتر از شرایع آسمانی و سخنان معصومین برده است، نائینی برتری حکم شرعی منصوص و مشخص اعم از فرمایشات قرآن، پیامبر و امام معصوم نسبت به هر گونه دآوری عقلی را امری قطعی و خدشه‌ناپذیر می‌داند لذا معتقد است در حوزه منصوصات شرعی نه تنها استدلال عقلی راهی ندارد بلکه امکان هر گونه مشورت نیز مردود و منتفی است (۱۲).

رویکرد این گونه نسبت به رابطه عقل و شرع که عقل را خادم نقل و تابع آن قرار می‌دهد، ریشه در معرفت‌شناسی فقهی و گفتمان سنتی دین دارد که قائل به نامکفی بودن عقل انسان است. انسانی که عقل وی بالذات برای راه‌یابی به شاهراه سعادت کافی نیست و بلکه همواره نیازمند ارشاد و هدایت الهی از طریق فرستادگان و برگزیدگان می‌باشد. در این رویکرد حتی فلاسفه مسلمان که نسبت به سایر متفکران اسلامی به استفاده از روش عقلی و احترام به آن شهرت یافته‌اند نیز عقل را کافی و وافی برای هدایت و وصول به سعادت نمی‌دانند. در برداشت آنان تدبیر نظام احسن آفرینش چنین است که الهام از عالم بالا همواره دستگیر انسان‌های مادی، ضعیف و گرفتار حب جاه و مال می‌شود. اگر انسان به عقل خویش وا گذاشته شود و حاکم و مانعی بیرونی برای آن وجود نداشته باشد به سمت هرج و مرج و خونریزی و در نهایت بر هم خوردن سلسله‌مراتب اجتماع و نظم هستی حرکت خواهد کرد (۲۱). با توجه به رویکرد فقهی نائینی قانون اساسی و قوانین عادی تماماً بر طبق مقتضیان مذهب و به اذن فقیه و مجتهد عصر، مشروعیت یافته و به طور مشخص او قوانین را مانند رساله‌های عملیه می‌داند. همان طور که این رساله‌ها وظیفه مقلدین را روشن می‌سازند، قوانین هم حدود و وظایف انسان‌ها را در بعد سیاسی و اجتماعی تبیین می‌نمایند. شرايطی که نائینی در آن مبادرت به تحریر کتاب خود در دفاع از آرمان‌های مشروطیت نموده است تحت تأثیر مداخلات هژمونیک، هر گونه اختلاف در رابطه گفتمان‌های مختلف طرف‌دار مشروطه را محو و عدم ابهام و وضوح را بازسازی می‌نماید که بر این اساس تمامی مشروطه‌خواهان رؤیاهای خود را در آن تعبیر یافته می‌دیدند و چیزی جز حسن مشروطیت دیده نمی‌شد. تلقی عمومی از پیروزی جنبش، الهام بخش دوره‌ای

از آزادی، رفاه، امنیت و برابری بود که دیگر سایه سنگین استبداد در آن جا احساس نمی‌شود. در این زمان به دلیل غلبه هیجانات انقلابی و انگیزه‌های قوی برای نابودی دشمن اختلافات داخلی ناچیز و هدف براندازی استبداد بسیار اساسی و مهم‌تر می‌نمود. به گفته آیت‌الله مازندرانی: علی‌کلّ حال مادامی که اداره استبدادیه سابقه، طرف بود، این اختلاف مقصد بروزی نداشت. پس از انهدام آن اداره ملعونه، تباین مقصد علنی شد. ماها ایستادیم که اساس را صحیح و شالوده را بر قوایم مذهبی که ابدالهر خلل ناپذیر است استوار داریم. آن‌ها روشنفکران عرف‌گرا و غیر مذهبی هم در مقام تحصیل مراودات خودشان به تمام قوا بر آمدند. هر چه التماس کردیم که مشروطیت ایران جز بر اساس قوایم مذهبی ممکن نیست استوار و پایدار بماند، به خرج نرفت و به کمال سرعت و فعالیت در مقام اجراء مقاصد خود بر آمدند (۳). نفی شرایط موجود که در جریان مبارزات آزادیخواهانه دنبال می‌گردید اولویت نخست تمامی گروه‌های سیاسی مشروطه‌خواه محسوب می‌شد و در عین حال مانع جدی از درک این واقعیت بود که توجه آنان به سوی تفاوت‌های درون گروهی جلب شود و اختلافات گفتمان‌های جزئی برجستگی یابد. برخی عبارات کتاب تنبیه‌الأمه حاکی از این حقیقت است که دیدگاه سیاسی نائینی به شدت متأثر از این فضای استعاری بوده و در تلقی ایشان قطع شجره خبیثه استبداد باعث علاج بقیه قوای ملعونه می‌گردد. دفاعیات نائینی از مشروطیت نشان می‌دهد که وی نظام مزبور را بهترین انتخاب و جایگزین ممکن در عصر غیبت امام معصوم دانسته و امیدهای زیادی به آن بسته است. به اعتقاد وی مشروطیت نظام مورد تأیید امام زمان بوده، اصول آن مأخوذ از کتاب و سنت است و مخالفین‌اش همکاران فراعنه و طواغیت اُمت و بر باد دهندگان مملکت و هدر کنندگان دماء و اعراض و اموال ملت‌اند. تردیدی وجود ندارد که فضای استعاری مشروطه‌خواهی نقش مهمی در این برداشت و تحریک نائینی به اثبات مشروطه و نفی استبداد داشته است. آن گونه که در مقدمه تنبیه‌الأمه آورده است، در این جزء زمان عصر مشروط که به حمدالله ... دوره سیر قهقرائیه مسلمین به آخرین نقطه منتهی و اسارت در تحت ارادات شهوانیه جائزین را نوبت منقضی و رقیب منحوسه ملعونه را عمل به پایان رسید، عموم اسلامیان به حسن دلالت و هدایت پیشوایان روحانی از مقتضیات دین و آئین خود با خبر و آزادی خدادادی خود را از ذلّ رقیب فراعنه اُمت برخوردار و به حقوق مشروع ملی و مشارکت و مساوات‌شان در جمیع امور با جائزین پی برده‌اند و در خلع طوق بندگی جبار و استفاده از حقوق مغضوبه ... ریختن خون طیبه خود را در طریق این مقصد از اعظم موجبات سعادت و حیات ملیت دانستند ... صدور احکام حجج اسلام نجف اشرف که رؤسای شیعه جعفری مذهبند بر وجوب تحصیل این مشروع مقدس ... برای براءت ساحت مقدس دین اسلام از چنین احکام جوریه مخالف با ضرورت عقل مستقلّ حجتی شد ظاهر و لسان عیب‌جویان را مقطوع ساخت ... لهذا این اقلّ خدام شرع انوار در مقام ادای تکلیف و قیام به این خدمت بر آمده لازم دانست مخالفت این زندقه و الحاد را با ضرورت دین اسلام آشکار سازد (۱۲).

نائینی می‌دانست در شرایط آن زمان حفظ اعتقاد دینی، پذیرش برخی از دستاوردهای فکری مربوط به حقوق سیاسی مردم است و هدف حفظ بیضه اسلام بود و نائینی چاره‌ای جز تلفیق برخی از عناصر فرهنگی غرب با فرهنگ سنتی نداشت. آگاه بود که در چه زمینه‌ای می‌تواند با برخی روحانیون متنفذ ارتباط برقرار کند و این بر گرفته از نخبه بودن این فرد بوده است. وی تحت تأثیر نواندیشان دینی و نظریه‌پردازان مسلمان، تلاش نمود تا به ترکیب همه‌پسندی از قوانین شرع اسلامی و نظریه عرفی مشروطیت دست پیدا کند. مقام علمی و اخلاقی وی چیزی کمتر از جایگاه سیاسی و مجاهدت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری وی نداشته و به درستی می‌توان ادعا نمود که وی از نخستین فقیهان و متفکران اسلامی است که با مفاهیم سیاسی- اجتماعی دنیای مدرن رویارو شده و آن‌ها را در قالب اعتقادات شیعه، اسلامی و بومی کرد. مشارالیه روشنفکر دینی و احیاگر دینی که با آسیب‌شناسی دینی و بهره‌گیری از عقل و شرع تلاش نمود تا بین دین و مقولات مدرن هماهنگی ایجاد کند. نائینی در برابر مقتضیات زمان و مسائل جامعه تلاش کرد با آموزه‌های دینی پاسخ‌هایی برای رفع معضلات سیاسی و اجتماعی ارائه دهد (۱۵).

جنبش مشروطیت از دیدگاه نائینی

ذکر مجاهدت‌های مشروطه‌خواهان و پایان عمر استبدادگران در کنار احساس مسئولیت و رسالتی که بر عهده خود می‌داند و همچنین اساس اسلامی بودن نهضت و لزوم کوتاه ساختن زبان عیب‌جویان و مخالفان تماماً اهمیت بازنمایی دوباره فضای استعاری مشروطه‌خواهی را یادآور می‌شود. جبهه‌گیری‌های تند و تیز و مسئولانه نائینی در برابر دو شعبه استبداد دینی و سیاسی که به نظر وی با همدستی یکدیگر روزگار ما ایرانیان را تیره و تار نموده حکایت‌گر قصه روزگاری است که وی در آن می‌زیسته است. روزگاری که به نظر وی استبداد دینی موروث از امثال عمر و عاص و ابوموسی با استبداد سیاسی موروث از معاویه و به هم آمیختگی و متقوم به هم بودن این دو شعبه استبداد و استعباد به درجه مشهوده و حالت حالیه رسید که همدستی با ظلمه و طواغیت موجب نفوذ و مطاعیت و مساعدت‌شان و عدم اعانت بر رفع ظلم مایه زهدفروشی و گرویدن عوام اضل از انعام است منتهی گردید (۱۲).

دلالت آیه مبارکه: و شاورهم فی الأمر، که عقل کلّ و نفس عصمت را بدان مخاطب و به مشورت با عقلاء امت مکلف فرموده‌اند بر این مطلب در کمال بدهت و ظهور است. چه بالضروره معلوم است مرجع ضمیر جمیع نوع امت و قاطبه مهاجرین و انصار است، نه اشخاص خاصه و تخصیص آن به خصوص عقلاء و ادبا به حلّ و عقد از روی مناسبات حکمیه و قرینه مقامیه خواهد بود نه از باب صراحت لفظیه و دلالت کلمه مبارکه فی الأمر که مفرد محلی و مفید عموم اطلاقی است بر این که متعلق مشورت مقرر در شریعت مطهره کلیه امور سیاسیه است هم در غایت وضوح و خروج احکام الهیه عز اسمه از این عموم از باب تخصص است نه تخصص (۱۲).

نائینی در مباحث آغازین کتاب خود با استدلال نسبت به ضرورت حکومت و سیاست می‌نویسد: کیفیت استیلاء و تصرف سلطان در مملکت به اعتبار انحصار آن در تملیکیه یا ولایتیه بودن و شق ثالث نداشتن بر یکی از دو وجه متصور تواند بود (۱۲). توصیفات وی از هر کدام ضمن آن که تلویحاً معطوف به نفی تملیکیه استبدادی و اثبات ولایتیه مشروطه است در عین حال به صورت مفصول و به نحو مجدانه‌ای در دفاع از نظام مشروطه و شالوده‌شکنی نسبت به نظام استبدادی دنبال می‌شود. فریدون آدمیت با تلخیص دیدگاه‌های نائینی در این دو مطلب جهت‌گیری گفتمانی وی را به این صورت بازنمایی کرده است: حکومت به اعتبار کیفیت آن دو نوع است. حکومت استبدادیه که به الفاظ دیگر چون تملیکیه و دلبخواهانه و خودسرانه و استبدادیه نیز تعبیر می‌شود. مجموع آن لغات خصوصیات دولت استبدادی را توصیف می‌نمایند. در چنان نظام سیاسی فرمانروا حاکم مطلق و حاکم به امر و مالک رقاب باشد. و به فاعلیت مایشاء و عدم مسئولیت عما یفعل اعتقاد دارد یعنی فاعل مطلق است و نسبت به کردار خود مسئولیت ندارد. معامله او با ملک و ملت مانند مالکین نسبت به اموال شخصیه خود باشد و مملکت را به ما فی‌ها مال خود انگارد، و اهلس را مانند عبید ... بلکه اغنام و احشام مسخر خویش شمارد. هر کجا به هر تصرفی مختار است و خراج را برای استیفای در مصالح و اغراض شخصیه خود مصروف دارد و اهتمام وی در نظم و حفظ مملکت ... منوط به اراده و میل خویش باشد. هر که را خواست مقربش گرداند هر که را منافی یافت از مملکت که ملک شخصی خودش پنداشته، تبعیدش نماید و یا اعدام کند و قطعه قطعه به خورد سگانش دهد. یا این که گرگان خونخواره را به ریختن خونس ته ریش و به نهب و غارت اموالش وادار نماید و نیز هر مالی را که خواهد احقاق و اگر خواهد پایمالش کند. به علاوه معامله نوع اهل مملکت به زیر دستان خود بطبقاتهم همان شیوه استبداد و فرمانروا است با همه افراد ملت. با وجود همه آن‌ها باز هم به اقدسیت و نحوها از صفات احدیت ... خود را تقدیس نماید، و اعوانش مساعدت کنند و تمامی قوای مملکت را قوای قهر و استیلا و شهوت و غضبش دانند و بر طبق آن برانگیزانند. در واقع ملتی که گرفتار چنین اسارت و مقهور به ذلت باشند اسیران و بندگان‌اند. یا بنا بر احوال‌شان در شمار ایتام و صغار هستند بی‌خبر از دارایی خویش. چنان مردمی از حیات و هستی خود ... حظاً استقلال نبرند، بلکه آفریده شده‌اند برای قضای حاجت دیگران. نوع دوم حکومت را دولت مشروطه، مقیده، محدوده، مسئله، دستوریه و شورویه می‌نامند. آن‌جا کیفیت مالکیت و قاهریت و فاعلیت مایشاء و حاکمیت مایرید اصلاً در بین نباشد بلکه اساس سیاست بر وظایف و مصالح نوعیه قرار گرفته، استیلائی دولت به همان اندازه محدود و تصرفش به عدم تجاوز از آن حد مقید و مشروط باشد. از خصوصیات آن مرجعیت امور نوعیه را تابع لیاقت و درایت قرار دادن افراد است. هم چنان که مالیه کشور در تحت نظارت و کلای ملّت باشد تا از حیف و میل و صرف در مشتیهات شخصیه و چپاول مصون بماند. به عبارت دیگر این قسم حکمرانی از مقوله ولایت و امانت است و مانند سایر اقسام ولایت و امانات محدود است به عدم تعدی و تفریط در اصل ولایت و امانت. هم‌چنین مشروط است به همان محاسبه و مراقبه و مسئولیت کامله. بنابراین مسئولیت متصدیان امانت یعنی عاملان دولت و مراقبت داشتن

ملت یعنی صاحبان امانت از فروع نظام مشروطه است به همان ماخذ خروج از وظیفه نگهبانی و امانت‌داری ... رسماً موجب انزال ابدی امین می‌گردد (۲). نائینی می‌خواهد ثابت کند مبانی مشروطه مثل آزادی، مساوات، پارلمان و تفکیک قوا در بطن شریعت اسلامی وجود دارد. استقرار استبداد را ناشی از عدم آگاهی مردم نسبت به حقوق خویش دانسته و عدم نظارت آن‌ها را بر عملکرد حکومت، اساس بر پایه استبداد می‌داند. به طوری که این عالم مشروطه‌خواه و آزاداندیش شیعی از نگارش کتابش دو هدف اساسی را دنبال می‌کرد. نخست این که مردم را نسبت به حقوق و ارزش‌های خود که سال‌ها توسط حاکمان مستبد از آنان سلب شده بود آگاه سازد. تلقی نائینی این بود که در شرایط جهانی آن زمانه تنها راه حفظ اعتقاد دینی، پذیرش برخی از دستاوردهای فکری مربوط به حقوق سیاسی مردم است. اصول کلی، حفظ بیضه اسلام بود و در آن زمانی خاص چاره‌ای جز تلفیق برخی از عناصر فرهنگی غرب با فرهنگ سنتی نبود. مشارالیه در کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله با هر گونه تفسیری از اسلام که توجیه‌گر استبداد یا حاکمیت مطلقه باشد به شدت مخالفت ورزیده و هواداران این نحوه از تفکر را با هر شکل و لباسی به ویژه روحانیون را به سوء استفاده از جهل ملت و آیین تشییع متهم کرد و آنان را شبه استبداد دینی خواند و به مثابه یک قوه ملعونه به شدت نفی نمود. از نگاه نائینی آن چه استبداد را در جامعه تثبیت می‌کرد همراهی آن با دین است. لذا از نگاه او علاج استبداد سیاسی بیش از هر چیز منوط به علاج استبداد دینی است و دشواری علاج آن را پیوند این دو می‌دانست. از نگاه او تا زمانی که جامعه اسلامی تن از استبداد نشوید و جامعه، قانون، مجلس و نهادهای سیاسی مردم‌سالار در نیاید حکومت‌های اسلامی در مسیر ترقی و پیشرفت نخواهند افتاد. روزنامه حبل‌المتین نامه بلندی از شیخ عبدالله مازندرانی چاپ کرده که در آن انگیزه علما از شرکت در جنبش مشروطه حفظ بیضه اسلام و بر طرف ساختن تجاوز ستمکاران و مستبدان و اجرای قوانین مذهبی یاد گردیده است (۹).

اندیشه مشروطه‌گری نائینی بر پایه حکومت نمایندگی و آرای همگان یا اکثریت به شکل مطلق نیست، بلکه مشروعیت رأی نمایندگان را به مجتهدین عدول ارجاع می‌دهد؛ مشروعیت نظارت هیأت منتخبه مبعوثان، بنا بر اصول اهل سنت و جماعت که اختیارات اهل حل و عقد امت را در این امور متبع دانسته‌اند به نقش انتخاب ملت متحقق و متوقف بر امر دیگری نخواهد بود، اما بنا بر اصول ما طایفه امامیه که این گونه امور نوعیه و سیاست امور امت را از وظایف نواب عام عصر غیبت علی مغیبه‌السلام می‌دانیم، احتمال هیأت منتخبه بر عده‌ای از مجتهدین عدول و یا مأذونین از قبل مجتهدین و تصحیح و تنفیذ و موافقت‌شان در آراء صادر، برای مشروعیتش کافی است (۱).

نائینی در چارچوبی اسلامی و منطبق بر منظومه فکری الگوی تشیع دوازده امامی این مفاهیم را ریخته و برای به کرسی نشاندن دیدگاه‌های خود و هماهنگ نشان دادن این مفاهیم با قوانین شریعت، به تبیین نظریات خود پرداخت (۹). وی تحت تأثیر نواندیشان دینی و نظریه‌پردازان مسلمان، تلاش نمود تا به ترکیب همه‌پسندی از قوانین شرع اسلامی و نظریه عرفی مشروطیت دست پیدا کند. هر آن چه از مباحث نائینی

درباره اصول مشروطیت در کتاب تنبیه‌الامه آمده است عمدتاً در جدال با مدعی و پاسخ به القائات و مغالطه‌های مخالفین است که خمیر مایه اصلی ساختار مفصل‌بندی گفتمان وی در مقابل گفتمان رقیب را تشکیل می‌دهد. فصل چهارم کتاب تماماً اختصاص دارد به استدلال‌های عقلی و شرعی در مواجهه با اشکالات و شبهاتی که از سوی مخالفین تاسیس مشروطه به عمل آمده است. گروه‌هایی شامل مستبدین، جهال اخباریه، علماء سوء، عوامل استبداد، جهله و متنسکین، برخی شبهات عوام و به ویژه کسانی که از روی اختلاف آراء فقهی مسائلی مطرح می‌نمودند (۱۲). غیریت‌سازی نسبت به نظام استبدادی به طور کلی برنامه‌ای است که آیت‌الله نائینی در کتاب تنبیه‌الامه دنبال می‌نماید. بنابراین هر آن چه از قوای ملعونه استبداد یا آراء و نظریاتی که مقوم اندیشه و عمل استبدادگران باشد از نظر وی محکوم و شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است. وجوه اصلی دفاعیات نائینی نسبت به گفتمان کلی مشروطه‌خواهی که آشکارا در مواجهه با گفتمان استبدادی سازمان یافته است عبارتند از: اول دفاع از اصل مشروطیت نظام، دوم مجلس شورای ملی، سوم قانون اساسی، چهارم آزادی، پنجم برابری و ششم تفکیک قوا. هر گاه به درستی در کیفیت پاسخ‌های ارائه شده و شیوه استدلال نائینی دقت شود معلوم خواهد شد که بخش عمده پاسخ‌های وی معطوف به شبهات القائیه از ناحیه استبداد دینی و به ویژه نماینده اصلی آن جریان شیخ فضل‌الله نوری است. به اعتقاد ایشان فعالیت‌های مخالفین مشروطه جهت استحکام اساس استبداد و کاشتن تخم فتنه و فساد صورت می‌گرفت و آنان برای این که چند صباح باقیمانده عمرشان کماکان بتوانند استبدادات و استیثارات خود را محفوظ دارند و به تطاول و چپاول خود ادامه دهند با فراغ و طواغیت امت همراه شده و به مقتضای هر روز نقشه جدیدی را اجرا می‌کنند. از آن جمله چون در موضوع عدم عضویت هیات نظار مجتهدین در مجلس راه به جایی نبردند، با طرح مسأله عدم مشروعیت حکومت‌های غصبی در دوره غیبت به عنوان ضروری مذهب شیعه پای نوشتن لفظ مشروعه به میان آوردند و به همین خاطر آشوب‌ها به پا شد که در ظاهر توجه و اهتمام به مشروعیت بود و در واقع نابودی اساس مشروطه و برداشتن مانع از پیش روی ستمگران. آری، آری، دخول در وادی تحصیل علم به غرض دنیاطلبی و بذر مال مردم‌خوری کاشتن و چراغ سرقت مصحوب خود داشتن و علم چپاول و تطاول برافراشتن چگونه جز این قبیل شایع نتیجه دیگری تواند بخشید و نعم ما قیل: تیغ دادن در کف زنگی مست به که آید علم نادان را به دست (۱۲).

نائینی ماهیت قدرت و حکومت را دینی می‌دانست و تنبیه‌الامه را در پاسخ به شبهات متشرعان و عالمان دینی مخالف مشروطه از موضع فقه و فقاہت نگاشت (۱۲). اگر چه الزامات و مقتضیات زمان و مکان موجب شده که محقق نائینی برداشت‌های جدیدی از دین ارائه نماید ولی باید توجه داشت که این تفسیرها همه دینی بوده‌اند و شباهت آن‌ها با مفاهیم لیبرالیسم و حکومت‌های مردم‌سالار دال بر برداشت سکولاری نیست و لذا چنین می‌نماید که دیدگاه‌هایی از قبیل آشنایی نادرست نائینی از مکاتب غربی و یا مقایسه افکار نائینی با مردم‌سالاری غربی، به منظور نشان دادن ناتوانی نائینی در آشتی میان مذهب و مشروطیت، قادر به تبیین صحیح نقطه نظرات این دانشمند و فقیه شیعی نخواهند بود چرا که دانش وی در ذات خود

تفکری اصیل و برخاسته از اجتهاد شخصی وی از مذهب و زمان و مکان بوده است. نائینی علاوه بر تحلیل‌های عقلی به استشهدادهای نصبی هم استناد کرده است (۹). اولین حدیثی که برای تهییج مردم به آن استشهداد کرده، سخن امام حسین (ع) در مورد زیر بار ذلت نرفتن و اطاعت شیطان نکردن است (۹)، و سپس آیه‌ای از قرآن (سوره غافر، آیه ۲۶) است که نقل قول از فرعون می‌باشد. او به عنوان یک مستکبر می‌گفت از تحریف دین‌تان می‌ترسم و خود را نگهبان دین و معتقدات مردم می‌دانست (۱۲). در مجموع حدود هشتاد مورد به قرآن و روایات استناد کرده است. آخرین نصی که آورده آیه ۱۵ سوره انعام است که به علل و موجبات عذاب‌ها و عقوبت‌های امت‌ها و جامعه‌های پیشین می‌پردازد. یکی از آن علل را مفاسد و اختلاف‌هایی دانسته که گاهی منشأ استبداد سیاسی یا استبداد دینی دارد (۹). نائینی بر آن است تا همانند دیگر عالمان مشروطه‌گرا، در بحث‌های سیاسی، برای اثبات اصول مشروطیت، آن‌ها را با قرآن و حدیث و گفتارهای امام علی (ع) در نهج‌البلاغه آشتی دهد (۹). جنبه نوآوری‌های نائینی در تلفیق اصول مشروطیت با شریعت از تأثر وی در مواردی که گذشت پررنگ‌تر باشد. تحولی که نائینی در اندیشه سیاسی شیعه پدید آورد، از زمان تأسیس فقه شیعه، یعنی از زمان شیخ طوسی مؤلف مبسوط تا زمان نائینی، بی‌سابقه است. او نخستین فقیهی است که در جامعه ما در قبال مدرنیته واکنشی جان‌دار، از خود نشان داد. او با رویارویی جدی با افکار و آراء جدیدی که وارد گفتمان سیاسی جامعه شده است، توانست فقهی سیاسی طرح‌ریزی کند و با قرائت خاص خود از مقولات فقهی، با برداشتی نوگرایانه به عنوان یک فقیه شیعه صریحاً اعلام کند: هذّه بضاعتنا ردت الینا، آزادی، مساوات، قانون اساسی و مجلس شورا، همه متاع‌ها و بضاعت‌های خود ما هستند که به ما برگردانده شده‌اند و می‌توان گفت: همان گونه که امام حسین (ع) برای احیاء سنت حسنه پیامبر (ص) و علی (ع) و مبارزه با بدعت‌های معاویه قیام کرد، محمدحسین نائینی هم برای نگهبانی از آن سنت حسنه و مبارزه با بدعت‌های معاویه، دست به تدوین تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله زد و جاودانه شد (۱۱). وی در مواجهه با مفاهیم سیاسی همانند حقوق مردم، آزادی، مساوات، استبداد، تفکیک قوا، اکثریت، قانون و مشروطه، با توجه به مبانی و اصول اسلامی، چشم‌انداز جدیدی را در نظریه سیاسی شیعه در عصر مشروطیت ایجاد کرد که ناشی از تاملات و تفکرات مهم ایشان در دو حوزه سیاست مشروطیت و شریعت اسلامی بوده است. بنابراین بحث‌هایش محدود به مفهوم استبداد و یا یک نظام استبدادی نیست، بلکه کوشش بسیار به کار می‌برد تا تئوری مشروطه را از دیدگاه شیعه‌گری بیان و تحلیل کند (۹).

تفکیک قوا در قانون مشروطه از دیدگاه آیت‌الله نائینی

نائینی در تنبیه‌الامه به تقسیم‌بندی مسائل قضائی آن گونه که در قانون مشروطه آمده، پرداخته و وظایف قضایی را به دو بخش امور شرعی و امور عرفی تقسیم نمود و موارد نخست را به عهده محاکم شرعی و موارد دوم را به عدلیه محول نموده است، زیرا در هر دو حال احکام قضائی از وظایف و اختیارات ویژه فقها و یا اشخاص واجدالشرائط مأذون از طرف فقیه نافذالحکومه می‌باشند (۱۶). نائینی استبداد را سر منشأ

تمامی مشکلات جامعه ایران دانسته و در تمامی تحریرات و تقریرات خود از آن به عنوان بدعت، زندقه، الحاد و شجره ملعونه و شجره خبیثه یاد می‌کند و این رهیافت در آثار وی تا بدان جا پیش می‌رود که وی در بر شمردن انگیزه خویش از نگارش کتاب، بدین گونه می‌نویسد: چون وضع رساله برای تنبیه امت به ضروریات شریعت و تنزیه ملت از این زندقه و الحاد و بدعت است، لهذا نامش را تنبیه‌الامه و تنزیل‌المله نهاده است (۱۲). نائینی حکومت مشروطه را با این استدلال که با ستمگری و غصب حقوق کمتری همراه می‌باشد، ترجیح می‌دهد و آن را بسیار بهتر از نظام استبدادی می‌داند و با توجه به این که الگوی حکومت آرمانی و ایجاد شرایطی جهت استقرار حکومتی عادلانه را محقق نمی‌بیند، با دیدی واقع‌گرایانه همان مدل حکومت مشروطه را صالح‌ترین نوع ممکنه حکومت ارزیابی می‌کند. وی در دم حکومت مستبد سلطنتی و ارتباط آن با استبداد دینی و در نگاهی بسیار عمقی و ژرف‌اندیشانه، بنیاد حکومت استبدادی را بر پایه حکومت دینی استبدادی می‌داند و با ارائه این نظریه که اگر خود استبداد دینی برچیده شود استبداد سیاسی نیز پایان یافته است در تبیین نظر خود پنج مؤلفه بنیادین و اساسی که به بیان وی محکومات استبداد و عوامل مهم آن هستند را چنین بر می‌شمرد:

جهل مردم: اول آن که از قوا که منشاء، اصل و روح تمامی آن‌هاست، جهالت و بی‌علمی ملت به وظایف سلطنت و حقوق خود.

استبداد دینی: از آن قوای ملعونه که بعد از جهالت مردم از همه اعظم و علایجش هم به واسطه رسوخش در قلوب و از لوازم دیانت محسوب بودن از همه اصعب و در حدود امتناع است همان شعبه استبداد دینی است که ... عبارت از ارادت خودسرانه است که منسکلین درزی ریاست روحانیه به عنوان دیانت اظهار و ملت جهول را به وسیله فرط جهالت و عدم خبرت به مقتضیات کیش و آئین خود به اطاعتش وا می‌دارند ...

شاهپرستی: سیم از آن قوای ملعونه نفوذ دادن به شاهپرستی در مملکت است و به جای مراتب و درجات قوه علمیه و علیه و سایر موجبات تفوق و امتیازات نوعیه‌اش مقرر داشتن و مرجعیت امور لشکری و کشوری و سایر نوعیات مملکت را تابع این رذیله خبیثه قرار دادن.

اختلاف کلمه بین مردم: چهارم از آن قوای ملعونه القا اختلاف فی‌مابین است و تفریق کلمه ملت است. ترساندن و آزار و اذیت آزادی‌خواهان: پنجم از آن قوای ملعونه قوه ارهاب و ارباب و تخویف و تعذیب است که به سیرت مأخوذ فراعنه و طواغیت سلف دعوات حریت موهوبه الهیه و بر پا دارندگان سیره مقدسه از انبیاء و اولیاء (ع) را به انواع عذاب‌های وارده بر آن انواع طیبیه ... معذب و بر احدی ابقاء و هیچ فروگزاری نشود.

عادی و طبیعی بودن زورگویی اقویا: ششم از آن قوای ملعونه ارتکاز رذیله استبداد و استعباد در قاب صغفا و زیردستان است در جبلت و فطرت نوع بزرگان و اقویای مملکت بطبقاتهم و طبیعی شدن زورگویی و معامله استبدادیه و تحمیلات دلبخواهانه و تحکمت خودسرانه فی‌مابین تمام طبقات.

استفاده از امکانات مملکت برای سرکوبی ملت: هفتم از آن قوای ملعونه، اعتصاب قوای حافظه ملیه من‌المالیه و العسکریه و غیرهما و صرف آن‌ها در سرکوبی خودشان است (۱۲). از نظر نائینی سلطنت غیر معصوم غصبی است. حکومت مشروطه هم از حکم غصبی بودن خارج نیست، زیرا تولید و حکومت آن در دست غیر معصوم است، اما تبعیت از حکومت مشروطه بر متابعت از حکومت استبدادی ترجیح دارد. در این نظام سیاسی حداقل به رعیت ستمی وارد نمی‌شود (۱۲).

شکل حکومت از دیدگاه نائینی انحصار در مشروطیت نیز ندارد. چرا که در صورت بروز نوع دیگری از حکومت که فساد و ظلم کمتری در آن باشد طبعاً آن نظام به عقاید و مبانی اسلامی نزدیک‌تر خواهد بود، بنابراین ساختار و شکل حکومت‌ها به تناسب کارکردشان از مشروعیت نسبی برخوردارند. بدین ترتیب ساختارهای سیاسی، تاریخی خواهند شد. به هر جهت اندیشه مشروطه‌گری نائینی بر پایه حکومت نمایندگی و آرای همگان یا اکثریت به شکل مطلق نیست، بلکه مشروعیت رأی نمایندگان را به مجتهدین عدول ارجاع می‌دهد: مشروعیت نظارت هیأت منتخبه مبعوثان، بنا بر اصول اهل سنت و جماعت که اختیارات اهل حل و عقد امت را در این امور متبع دانسته‌اند به نقش انتخاب ملت متحقق و متوقف بر امر دیگری نخواهد بود، اما بنا بر اصول ما طایفه امامیه که این گونه امور نوعیه و سیاست امور امت را از وظایف نواب عام عصر غیبت علی مغیبه‌السلام می‌دانیم، اشمال هیأت منتخبه بر عده‌ای از مجتهدین عدول و یا مأذونین از قبل مجتهدین و تصحیح و تنفیذ و موافقت‌شان در آراء صادر، برای مشروعیتش کافی است (۱). محور نظری دیدگاه‌های او حول نظام دور می‌زند و اجرای اصول مشروطه را هم برای حفظ نظام می‌داند. استفاده از مباحث اصولی، مانند: احکام اولیه و احکام ثانویه، استفاده از مقبوله عمر بن حنظله و مفهوم مقدمه واجب، از عمده‌ترین و استوارترین مبانی تئوریک نائینی در دفاع از مشروطه است (۹).

آسیب‌شناسی اجتماعی جنبش مشروطه از دیدگاه اندیشه آیت‌الله نائینی

دیدگاه‌های عبدالرحمن کواکبی در کتاب طبایع‌الاستبداد اگر چه تأثیر چشمگیری در شکل دادن به تئوری استبداد نائینی داشت، ولی مبنای نظری ارزش‌مندی در ارتباط با چند و چون نظام مشروطه در اختیار او نگذاشت. تفسیر نادرست کواکبی از اصل تفکیک و تمایز قوای سه‌گانه موجب به بیراهه کشاندن نائینی نیز شده است. با توجه به نیاز بسیار تجددطلبان به حمایت علما و بافت مذهبی جامعه ایران، سبب شد که روحانیت به برخی از جنبه‌های تضاد میان نظام مشروطه و بنیادهای اساسی اسلام بی‌توجه بمانند و با توجه به ناآشنایی با زبان‌های اروپایی و قلت منابع در زبان‌های عربی و ترکی، نتوانستند اطلاعاتی از مفاهیم بنیادین مندرج در مشروطیت به دست آورند. عدم توجه به این نکته که مفاهیمی چون: برابری، برادری، حقوق متساوی تمامی افراد و نیز مفاهیمی مانند ملت و آزادی در فلسفه سیاسی غرب مدرن، تأویل و تفسیر خاص خود را داشتند، مردم نقش ویژه‌ای نسبت به سرنوشت سیاسی-اجتماعی خود پیدا می‌کنند و رأی اکثریت و قانون عرفی در صورتی که از طرف نایبان عام امام زمان (عج) علما و مجتهدین تنفیذ شود،

مشروعیت می‌یابد. خانم لمبتون نسبت به علمای مشروطه طلب معتقد است ... تمایل اساسی کسانی که جنبش مشروطه را پشتیبانی می‌کردند، نه انقلاب بلکه وظیفه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر بود (۹). آیت‌الله نائینی با تلفیق اصول مشروطه با شریعت توانست فقهی سیاسی طرح‌ریزی و با قرائت خاص خود از مقولات فقهی، با برداشتی نوگرایانه به عنوان یک فقیه شیعه صریحاً اعلام کند هذه بضاعتنا ردت الینا، آزادی، مساوات، قانون اساسی و مجلس شورا، همه متاع‌ها و بضاعت‌های خود ما هستند که به ما برگردانده شده‌اند.

نائینی در بیان آراء و اندیشه مشروطه‌خواهی خود، توجهی به نقاط اساسی اختلاف میان اسلام و نظام مشروطه نداشته است. کتاب طبایع الاستبداد کواکبی اگر چه تأثیر چشمگیری در شکل دادن به تئوری استبداد نائینی داشت، ولی مبنای نظری ارزش‌مندی در ارتباط با چند و چون نظام مشروطه در اختیار او نگذاشت و حتی می‌توان چنین عنوان کرد: تفسیر نادرست کواکبی از اصل تفکیک و تمایز قوای سه‌گانه موجب به بیراهه کشاندن نائینی نیز شده است. با توجه به نیاز بسیار تجددطلبان به حمایت روحانیون و بافت مذهبی جامعه ایران، عواملی مهم دست به دست هم داد که روحانیون و فقط به برخی از جنبه‌های تضاد میان نظام مشروطه و بنیادهای اساسی اسلام بی‌توجه بمانند. در قلمرو اندیشه سیاسی شیعی در قرون معاصر، نخستین فردی است که دست به تدوین، نظریه‌ای نسبتاً منسجم و مبتنی بر بنیادهای اسلامی و نوگرایانه در باب مسائلی مانند دولت، حکومت و انواع آن دست یازیده است. آیا مشروطیت برای تحدید سلطنت کافی است یا نه؟ ایشان در جواب می‌گوید که یکم، چون تصرفات زمام‌دار بسیار محدود است پس نمی‌تواند بدون مشورت و رأی عموم ملت تصرف و اقدام نماید. پس با آیات و روایات بر این نکته تأکید می‌کند که مشورت ضروری است و آن را در کلیه امور سیاسی می‌داند (۹). دوم، آن که چون حاکمان فعلی معصوم نیستند لذا باید قوای قانونی به جای ملکات نفسانی باشد تا از طغیان حاکم جلوگیری گردد، اما برای معصوم ملکات نفسانی کفایت می‌کند. وی این مطلب را در ذیل نظارت بیرونی، جایگزین عصمت و عدالت و همچنین نظارت نمایندگان ملت بر مجرمان توضیح می‌دهد (۹). کلام نائینی در تنبیه‌الامه خالی از اشاره و تلویح به استقلال قوه قضائیه نیست. وی در بخشی از نوشته‌های خود در کتاب به این نکته پرداخته است که امور شرعی که در زمان غیبت بنا بر اصول تشیع از وظایف فقهای عادل می‌باشد از حوزه اختیارات دو قوه مجریه و مقننه بیرون است. مهم‌ترین دغدغه علمای مشروطه‌خواه، دین و حفظ بیضه اسلام بوده است و نظام مشروطیت را بهترین شکل حکومت جهت تحدید ظلم رژیم استبدادی می‌دانستند و لذا از نظر آن‌ها مشروطه نه تنها بدعت و الحاد نیست بلکه مبتنی بر مصالح نوعیه است و مشروطه بودن حکومت از اظهر ضروریات دین اسلام است (۱).

نائینی هرگز به طور صحیح ساختار حکومت مشروطه خود را ترسیم نکرد ولی با توضیحی که از قوای سیاسی، اجتماعی، قضایی مملکت، دارد و نیز از توضیح وظایف مردم، نمایندگان مجلس، مجتهدین و ... می‌توان سازمان‌بندی و چارت حکومتی وی را ترسیم کرد. شکل حکومت از دیدگاه نائینی مشروطه است

ولی محتوای آن اسلامی است. یعنی اگر چه به لحاظ ساختاری شباهت زیادی با نظام‌های دموکراتیک دارد ولی به لحاظ کارکرد و ارزش‌هایی حاکم بر آن مبتنی بر شریعت اسلامی است. آیت‌الله نائینی به همراه دیگر روحانیون و علما حضور پررنگی در جریان جنبش مشروطیت داشتند و در واقع رهبری اصلی این جریان به عهده آنان بود. ایشان چه در مبارزات آن زمان که برای دستیابی به حکومت مشروطه بود و چه زمانی که مجلس توسط محمدعلی شاه به توپ بسته شده بود، همواره نقش تاثیرگذاری بر عهده داشت و با ذهن روشن خود و بیان رسایی که داشت به روشن ساختن ضمیر آحاد ملت پرداخته که حاصل این تفکرات و اندیشه‌های سیاسی ایشان رساله ارجمند و با اهمیت تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملله بود. نقش مشارالیه در جریان نهضت در میان رهبران آن را می‌توان در رتبه رهبران درجه دوم مورد بررسی قرار داد. اما همواره با مشورت‌های ارزنده خود رهبر یا رهبران اصلی این جریان را در پیشبرد اهداف خود به شکل کاملاً موثری یاری می‌رساند. آیت‌الله نائینی در میان علمای نواندیش دینی تنها کسی بود که از نظر تئوریک استوارترین و مستدل‌ترین رساله سیاسی را در حمایت از مشروطه‌خواهی نگاشته است و کتاب وی حاصل تلاشی است که از سوی این فقیه برجسته برای مشروعیت دادن به آرمان‌های مشروطه صورت گرفته است. نائینی در برابر علما سنت‌گرا که بر مشروعیت الهی تاکید داشتند بر مشروعیت مردمی هم بها می‌داد و اولویت را به حق داده و تکلیف انسان‌ها را محدود به مواردی می‌دانستند که شریعت به طور صریح به آن اشاره کرده است.

نتیجه‌گیری و بحث

مهم‌ترین دغدغه آیت‌الله نائینی سازگار نمودن شریعت و مشروطیت بوده و از بین نظام استبدادی و مشروطه، نوع دوم را با تمام نقایصی که داشت برگزیده است تا از میزان ظلم و استبداد قاجاریه کاسته شود. از دیدگاه نائینی که فقیه روشنفکر مذهبی است؛ بین سیاست و ولایت از حیث شمول و مصادیق تفاوت‌های زیادی وجود دارد. هم چنان که قوانین و احکام شرعی به منصوص و غیر منصوص عرفی یا امور سیاسی تقسیم می‌شود و امور سیاسی نیز بنا به ماهیت و سرشت خود به امور حسبیه و امور عمومی تقسیم می‌شود، مجتهدین بنا بر ادله نقلی، تنها در امور حسبیه دخالت دارند و آن قسم از امور سیاسی که خارج از دایره حسبیه است، به عهده مردم است. نظام مشروطه در ایران از آن جهت مورد حمایت علما و مردم قرار گرفت تا از طریق آن، اسلام حفظ شود. اندیشه و تفکر نائینی در اجرای مشروطه در نظام سیاسی و اجتماعی تاثیرگذار بود. تلقی عام علما از جمله نائینی این بود که در شرایط جهانی آن زمان تنها راه حفظ اعتقاد دینی، پذیرش برخی از دستاوردهای فکری مربوط به حقوق سیاسی مردم است. اصول کلی، حفظ بیضه اسلام بود و در آن زمانی خاص چاره‌ای جز تلفیق برخی از عناصر فرهنگی غرب با فرهنگ سنتی نبود. نائینی در پی الزامات اندیشه سیاسی مشروطیت و دغدغه‌های دینی، ذهنیت دوگانه اندیش خاصی را پیدا نمود که منجر به تفسیرهای کارآمد از مفهوم مشروطه و آرمان مذهبی شده است و چون تحقق حکومت

اسلامی را ناممکن می‌دانست سعی کرد قوانین اسلامی را در قالب حکومت مشروطه به جامعه ارائه دهد و از این طریق حاکمان و کارگزاران قاجار را به اجرای قوانین اسلامی وادار کند و قوانین اسلامی را وارد صحنه سیاسی جامعه کند.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abadian, Hossein. (1995). Theoretical Foundations of Constitutional and Legitimate Government. Tehran, Nei Publications, 1th edition.
2. Adamit, Fereydoun. (1999). Ideology of Iran's Constitutional Movement, Tehran: Blind Welfare Services Complex, Translated by Rudaki.
3. Ajudani, M. (2008). Iranian Constitution, Tehran: Akhtaran Publishing House, 9th edition.
4. Aron, Rimom. (1991). The Basic Stages of Thought in Sociology, Translated from Bagher Parham, Tehran: Islamic Revolution Publications and Education, 2th edition.
5. Atvan, Behrouz. (2010). "An attitude towards two causes of social changes; The Theory of the Chosen and Geographical Algebra", Journal of Development of Social Science Education, third year, number 20.
6. Azghandi, Masha Allah. (2005). The ineffectiveness of Iran's political elites between the two revolutions, Tehran: Qoms Publishing.
7. Butamore, T. B. (2001). Elites and society, translated from Alireza Tayeb, Tehran: University of Tehran.
8. Evans, Mark. (2004). Elitism, translated by Mahmoud Shahabi, Farhang Andisheh, third year, Number, 10.
9. Haeri, Abdul Hadi. (2017). Shiism and constitutionalism in Iran and the role of Iranians residing in Iraq. Tehran: Amir Kabir University Press.
10. Kihan Farhani, No. 248, June 2016.
11. Moghimi, Gholamhasan. (2000). Velayat and the political role of the people from the researcher's point of view Naini, collection of essays of Siri in Mirzai Naini's thoughts and ideas, first edition, Isfahan: Research Center Publication.
12. Naini, Ayatollah Agha Sheikh Mohammad Hossein. (2011). Punishment of the nation and the punishment of the nation. Introduction and explanations by Seyyed Mahmoud Taleghani. Eighth edition. Tehran: Publishing Co.
13. Najafi, Musa. (1977). The Foundation of Political Philosophy in Iran in the Constitutional Era, Tagaghi.
14. Naqibzadeh, Ahmed. (2006). An Introduction to Political Sociology, Qom, Mehr Fifth Edition.
15. Nasri, Abdullah. (2018). Facing Modernity After, Tehran: Nash Alam, vol. 1.
16. Omid Zanjani, Abbas Ali. (2000). "Government in Naini's Political Thought", a collection of essays on the opinions and thoughts of Mirza Naini, Ch. 1, Isfahan, Kanon Research Center Publishing.
17. Omid Zanjani, Abbas Ali. (1998). Political Jurisprudence: Political System and Leadership in Islam, Tehran, Amir Kabir.
18. Qadri, Hatem. (2005). Political Thoughts in Islam and Iran, Tehran: Samit.
19. Rosheh, Gay. (2015). Social Changes, Mansour Voshouqi, Tehran, Nei Publications, 18th edition.
20. Rush, Michael. (2018). Society and Politics, Introduction to Political Sociology, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran, Samit.
21. Tabatabaei, Seyyed Javad. (2018). The Theory of the Rule of Law in Iran, Tehran, Stoudeh.
22. Taghizadeh, Mahmoud Davari. (1997). Comparative study of the foundations of government legitimacy from the point of view of Allameh Naini and Sheikh Fazlullah Nouri, under the guidance of Ayatollah Abbas Ali Omid Zanjani and the advice of Hojjat al-Islam Mohsen Kadivar, MA, Imam Sadiq University (AS).

-
23. Thaghafi, Seyyed Mohammad. (1997). Mirzai Naini's political thought, Islamic Government Magazine, number three.
 24. Yousefi Ashkouri, Hassan. (1999). Religion and Government, Tehran, Rasai Publications.